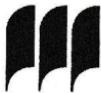


ما و هگل

ایده و گردآوری:

محمد مهدی اردبیلی



انتشارات هرمس

فهرست

۱	مقدمه: نسبت ما با هگل
بخش اول: گفت و گو هایی درباره ما و هگل	
۹	۱. هگل و آگاهی نگون بخت «ما»/ گفت و گو با علی مرادخانی و علی اصغر مصلح
۲۱	۲. باید به نحوی تاریخی و انسامی با خودمان مواجه شویم/ گفت و گو با سید حمید طالبزاده
۴۸	۳. هگل را ناگزیر هرمنوتیکی خواهیم فهمید/ گفت و گو با محمدرضا بهشتی
۶۵	۴. هگل افق تفکر ماست/ گفت و گو با مراد فرهادپور
۸۸	۵. ما هنوز به خودمان نیندیشیده‌ایم/ گفت و گو با محمدعلی مرادی
بخش دوم: ما در آینه هگل	
۱۱۳	۶. هگل و مواجهه ما با مدرنیته/ شروین طاهری و فرشاد نوروزی
۱۳۰	۷. طلوع تاریخ از شرق: ایران، هگل و فلسفه تاریخ/ حسام سلامت
۱۵۶	۸. فردگرایی، سوزه و «ما»ی تاریخی در ایران/ مهدی ملک
۱۶۵	۹. روشنگری ایرانی و خودآگاهی ادبی/ سالور ملایری
بخش سوم: هگل در آینه ما	
۱۹۳	۱۰. تکلم هگل به فارسی/ محمد مهدی اردبیلی
۲۱۶	۱۱. هگل به فارسی: امکان یا امتناع/ حامد صفاریان و عبدالوحید بیات
۲۳۳	۱۲. هگل در ضیافت ما ایرانی‌ها/ محمد اصغری
۲۴۵	۱۳. مواجهه ما با هگل در غیاب فیشته/ سید مسعود حسینی
۲۶۲	۱۴. رسالت تفاوت: کام نخست هگل در فلسفه متعالیه/ علیرضا سید احمدیان
بخش چهارم: نسبت ما با هگل	
۲۸۳	۱۵. درنگی در باب موقعیت و منطق «او» «ما و هگل»/ میثم سفیدخوش
۲۹۳	۱۶. پرسش «نسبت ما با هگل چیست» را چگونه باید بفهمیم؟/ مسعود غفاری
۳۰۵	نایاب

مقدمه: نسبت ما با هگل

حیات روح، حیاتی نیست که خود را از مرگ پس کشد و از دسترس ویراف مصون نگاه دارد، بلکه حیاتی است که [مرگ را] تاب می‌آورد و خود را در آن تداوم می‌بخشد. روح تنها زمانی به حقیقتش دست می‌یابد که خود را در اوج تجزیه شدگی و شفاق بیابد.

(هگل، پدیدارشناسی روح، فقره ۳۲)

همه راه‌ها به هگل ختم می‌شود. شاید این عبارت بیش از هر مقدمه‌ای بتواند گویای ایده اصلی شکل دهنده کتاب حاضر باشد. بخش اعظم مقالات و مصاحبه‌های این کتاب پیش از این، در سه شماره ویژه‌نامه «ما و هگل» ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت، در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ منتشر شده‌اند. مصاحبه‌ها با تغییراتی حداقلی در کتاب حاضر بازننشر شده‌اند و مقالات بدون استثنای همگی برای انتشار مجدد توسط نگارنده‌گان بازنویسی و ویرایش شده‌اند. نهایتاً متن کتاب همراه با مقدمه حاضر مورد صورت بندی مجدد قرار گرفت و نتیجه نیز هم‌اکنون پیش روی شماست. اثر حاضر همان‌گونه که از نامش پیداست بنا دارد تا به نسبت «ما» و «هگل» بپردازد. در نظر اول واکاوی این نسبت چندان دشوار به نظر

نمی‌رسد. به هر ترتیب، هگل یکی از مهم‌ترین فیلسوفان غربی است و اندیشه‌ او در ایران نیز حامیان و منتقدان مختلفی دارد. لذا نخستین برداشت ما از این نسبت چگونگی فهم ما از هگل و ترجمه آثار وی در ایران است. پس سؤال اینجاست که هگل کی و چگونه به ایران وارد شد و تاکنون چه آثاری از و درباره او در زبان فارسی ترجمه و تألیف شده است؟ البته فصل دهم کتاب حاضر به همین موضوع اختصاص دارد و گزارشی تفصیلی از بیش از نیم قرن هگل‌پژوهی در ایران به دست می‌دهد. اما علی‌رغم جدی بودن پرسش مذکور، نباید فراموش کنیم که تقلیل دادن نسبت ما و هگل به تعدادی تألیف و ترجمه بهشدت ساده‌انگارانه است. کتاب حاضر هدفی دیگر را دنبال می‌کند.

برای تدقیق «مسئله اصلی» یا به بیان دقیق‌تر «پروبلماتیک» این اثر، لازم است تحلیل را از عناصر خود پرسش آغاز کنیم:

اولاً، در یک سوی این پرسش هگل قرار دارد. هگل کیست؟ می‌دانیم که می‌توان هگل را نقطه اوج و تجلی فلسفه مدرن دانست. در اندیشه هگل است که مدرنیته به والاترین و فراگیرترین شکل نظام‌مند خود، چه در قالب ایده چه در ساحت دولت، دست می‌یابد و به همین دلیل است که منتقدان مدرنیته و فیلسوفان «پست‌مدرن!»، برای تعین بخشیدن به فلسفه خود و صحه گذاشتن بر فاصله‌شان از اندیشه مدرن، بیش و پیش از هر چیز هگل را، در مقام جامع و دربرگیرنده کل فلسفه مدرن، مورد انتقاد و حمله قرار می‌دهند. اما پرسش «کدام هگل؟» پرسشی بسیار جدی است که پاسخ به آن از نخستین دقایق پس از مرگ هگل تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز بود و از همان آغاز دو جریان هگلیان پیر و جوان را به راه انداخت. بالاخره «خود» هگل راستگرا بود یا چپ‌گرا؟ هگل حقیقی، هگل محافظه‌کار نگارنده پیش‌گفتار عناصر فلسفه حق است یا هگل انقلابی نگارنده پدیدارشناسی روح؟ آیا می‌توان از چندین هگل سخن گفت؟ آیا می‌توان این کثرت در رویکرد

را حول ایده واحدی جمع کرد و از نوعی هسته مفهومی در اندیشه هگل دفاع کرد؟ آیا تمام این کنکاش‌ها بیهوده نیست؟ آیا با توجه به رویکرد هرمنوتیکی اخیراً شایع، نمی‌توان هگل را نیز هرمنوتیکی خواند و جستجوی عنصر پنهانی تحت عنوان «خود هگل» یا «هگل حقيقی» را اساساً موهوم دانست؟ این‌ها همه و همه مسائل پیش روی هگل پژوهی در زمانه حاضر است.

ثانیاً، در سوی دیگر نسبت ما و هگل، «ما» قرار داریم. به بیان دیگر، پرسش از نسبت ما با هگل، نه تنها این پرسش کلیدی را پیش می‌کشد که «کدام هگل؟»، بلکه پرسش بسیار دشوارتری را نیز در خود دارد که بسط و تحلیل آن نیازمند ورود به ابعاد و حوزه‌های تاریخی-فرهنگی است: «کدام ما؟». آیا مرادمان از این «ما»، «مای ایرانی» است؟ اگر چنین است دقیقاً کدام «ایران» مورد نظر است؟ ایران سال ۱۳۹۵ یا ایران سال ۱۲۰۶ یا ایران پیش از آن؟ مرزهای این ایران کجاست؟ اگر آن را به مرزهای فعلی محدود کنیم، بخشی از تاریخ خود را نایده گرفته‌ایم و اگر آن را چنان فراخ در نظر بگیریم که افغانستان، ارمنستان، ترکیه، عراق و... را در برگیرد، دیگر چنان فراخ می‌شود که تعیینش را از دست داده و در آن، «ما» دیگر فقط «ما» نیستیم. همچنین می‌دانیم که هر «ما»‌یی همواره در تعارض با «آن‌ها-دیگران» شکل می‌گیرد. بنابراین پیش از پاسخ به پرسش «کدام ما؟»، باید با اتخاذ رویکردی هگلی، به این پرسش پاسخ دهیم که «کدام آن‌ها؟» اگر آن‌های مدرن و غربی مورد نظر باشد پس می‌توانیم خود را حتی تا نوعی «مای شرقی» و «آسیا در برابر غرب» وسعت ببخشیم. آن وقت آیا در بطن همین شرق با انواع و اقسام «دیگری»‌های دیگر نیز مواجه نخواهیم شد؟ همین تشتت در خصوص هر شکلی از تلاش برای هویت‌سازی سفت و سخت (چه قومی، چه نژادی، چه زبانی، چه مذهبی و ...) صادق است. اگر آن‌های ما علاوه بر غرب، اعراب و ترک‌ها و دیگر

نژادهای غیرفارس باشند، آنگاه حدود این «ما» حتی از مرزهای فعلی کشور ایران نیز کوچک‌تر خواهد شد. به هر ترتیب، مسئله پرسش از ما، همان‌گونه که هیدگر درباره پرسش از هستی می‌گوید، مسئله‌ای بسیار مهم است که از فرط استعمال دچار توهمندی و فهم آن هستیم. و بزرگ‌ترین توهمندی همین گمان است که می‌توان با سال‌ها بررسی و مطالعه و پژوهش و احداث نهادها و بنیادهای ایران‌پژوهی و فارسی‌سازی، به حل و فصل جزئی مسئله «ما» ناصل شد و قضیه را یک بار برای همیشه فیصله داد. در یک کلام، برخلاف تصور ساده‌انگارانه و به‌ظاهر آشنا و روشن از «ما»، دشواری مسئله زمانی هویدا می‌شود که دریابیم خود همین «ما» نیز پیکری صدپاره دارد که با میانجی‌های مختلف زبانی، قومی، هویتی، مذهبی و سیاسی در طول تاریخ وصله‌پینه شده است و فاقد هرشکلی از ذات ایجابی است که بتوان آن را احیا کرد و یا حتی نابودش ساخت، و از قضا اینجا هم با مسئله‌ای هگلی روبرو هستیم.

ثالثاً در پرسش از نسبت ما و هگل، صرف نظر از دو مسئله «کدام ما» و «کدام هگل»، پرسش دیگری در میانه ایستاده است که: «کدام نسبت؟». معنای نسبت چیست؟ آیا منظور از این نسبت همان شکل ساده‌انگارانه «ترجمه هگل به فارسی» است؟ آیا این نسبت را می‌توان در سطحی تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی دنبال کرد؟ اگر پاسخ مثبت است - که هست - چگونه باید این نسبت را تبیین کرد؟ و آیا نسبت همواره میان دو ذات ثابت قابل اطلاق است؟ اگر از یک سو با «ما» یعنی وصله‌پینه شده طرف هستیم و از سوی دیگر با هگلی تکه‌پاره، آیامی توان از نوعی نسبت میان این دو امر هیولاوار سخن گفت؟ یا شاید حتی بتوان گامی فراتر رفت و با تکیه بر برداشتی هگلی از مفهوم نسبت، خود همین گذار نامتعین را مبنا قرار داد و اتفاقاً هر دو طرف را با تکیه بر همین نسبت مقابله‌شان باز تعریف کرد.

در یک کلام، آیا دست گذاشتن بر همین «نسبت» میان ما و هگل، به ما کمک نمی‌کند تا از یک سو به واسطه «هگل»، به واسطه برداشتمان از هگل، یا به بیان دقیق‌تر به واسطه نوع مواجهه‌مان با مدرنیته، خود را یعنی این «ما» را بهتر بشناسیم؟ آیا هگل میانجی‌ای برای بازتابیدن ما به خودمان نیست؟ و از سوی دیگر به واسطه همین مواجهه حدوداً یک صداله با خودمان به میانجی مدرنیته، به درکی انضمامی از غول مدرنیته یعنی هگل راه ببریم؟ در این صورت آیا این مواجهه نباید مطلقاً انتقادی باشد، هم نسبت به هگل و هم از آن مهم‌تر، نسبت به خودمان؟

بنابر مباحث فوق، هدف از گرددآوری مجموعه‌ای از مقالات و مصاحبه‌ها در کتاب حاضر، نه صرفا حل یا توضیح مسئله «نسبت ما و هگل»، بلکه پیش از هر چیز تلاشی است برای خلق خود این «مسئله» و بررسی امکان‌های پیدایش آن، یا به تعبیر فنی‌تر، پروبلماتیزه کردن آن. این پروبلماتیزه کردن، بیش از هر چیز بناست از موتور نفی دیالکتیکی تغذیه کند و در نتیجه پرداختن به آن، نه ماجراجویی از سر تفنن است و نه گام نهادن در راه و روشی مطمئن و مستحکم، بلکه پیشاپیش تن سپردن به نوعی قمار است. قمار بر سر تمام داشته‌های «ما» و ترس از ازدست دادن همه چیز در مواجهه‌ای مفهومی-انتقادی و با واسطه با خودمان.

البته روشن است که مجموعه پیش رو، نه ادعای ساده‌انگارانه تمام کردن بحث «یک بار برای همیشه» را دارد و نه ژستِ دیدن ابعاد مسئله از تمام جوانب را. این مجموعه تنها تلاشی ابتدایی است حاصل گرددآوری گفتارها و نوشتارهای برخی از پژوهشگران معاصر که از جهتی آگاهانه و هدفمند و از جهت دیگری تصادفاً گزینش و انتخاب شده‌اند. گفتارها و نوشتارهای موجود در این مجموعه نیز بنا به ماهیتشان هرگز نمی‌توانند چه در فرم بیان، چه در مسئله و پروبلماتیک‌شان و چه حتی در حوزه تمرکز خود (از ادبیات و سیاست گرفته تا فلسفه و دین) مجموعه‌ای یک‌دست را به دست دهند

(لازم به ذکر است که فرآیند باز صورت بندی این مجموعه نیز به حفظ تمایز و استقلال روشی، ارجاعی و نگارشی مقالات تشکیل دهنده آن متعهد بود). بلکه این مجموعه شاید تنها گامی ابتدایی باشد از راهی دشوار و طولانی که امید است رهروانی دیگر دشواری گام برداشتن در آن را به جان بخربند. در پایان لازم است از مدیر مسئول ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت، دکتر انشاء الله رحمتی و سایر دست‌اندرکاران آن، آقایان ساسان یغمائی، سید جواد فندرسکی و محسن رزاقی تشکر کنم که بدون حمایت و پیگیری آن‌ها امکان گردآوری این مجموعه وجود نمی‌داشت. همچنین باید تشکر ویژه داشته باشم از مدیریت محترم انتشارات هرمس، آقای لطف‌الله ساغروانی که امکان انتشار این مجموعه را در قالب فعلی فراهم آوردند و در راه انتشار آن از هیچ همکاری و مساعدتی دریغ نکردند.

محمد مهدی اردبیلی

۱۳۹۵ فروردین ماه